

گزارش تحلیلی از وضعیت آموزش معماری و نظریاتی برای تحرک در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

خرداد ماه ۱۳۶۷

حمید نوحی

در خردادماه سال ۱۳۶۷ رئیس دانشکده استعفاء داده بود و دانشکده مدتی بدون ریاست مانده بود. بنا به اصرار تعدادی از اعضای هیأت علمی و دانشجویان پس از یکی دو ماه مقاومت این مسئولیت را به عهده گرفتم. تحلیل پیوست در واقع برنامه پیشنهادی برای ارتقای وضعیت آموزشی دانشکده است. که در بدو تصدی به شورای مدیریت دانشگاه ارائه شد. طی سه سال و نیم بخشی از این برنامه تحقق یافت و دانشکده از یک آموزشگاه (بخش دانشگاهی) که حتی در خود دانشگاه علم و صنعت کسی آن را جدی نمی گرفت تبدیل به دانشکده‌ای در خور توجه و حتی بنابر اظهار دیگران در آن هنگام پیشاهنگ آموزش معماری شد.

فهرست مطالب

مقدمه:	۳
فصل یک- موقعیت دانشکده معماری دانشکده علم و صنعت ایران در مقایسه با سایر دانشکده‌های مشابه	۴
۱- دانشکده هنرهای زیبا- دانشگاه تهران:	۴
۲- دانشکده معماری و شهرسازی، شهید بهشتی	۵
۳- دانشکده معماری و شهرسازی، علم و صنعت	۵
فصل دو- اهداف برنامه رشد و تحول دانشکده	۷
فصل سه- مسائل و مشکلات	۷
چند یادآوری در مورد مراتب اهمیت کمبودها و مشکلات	۹
فصل چهار- اهداف کوتاه مدت	۹
اول- ارتقاء و تحول شیوه آموزشی و ایجاد رشد، هیجان، تحرک و رقابت دانشجویی و گروهی	۹
دوم - اهرم‌ها و امکانات قابل اتکا	۱۰
فصل پنج- نتیجه‌گیری، خلاصه و اهم مطالب	۱۲
الف- طرح‌های بلند مدت	۱۲
ب- طرح‌های کوتاه مدت	۱۲

مقدمه:

موضوع گزارش حاضر عبارتست از نقد و تحلیل وضع موجود و ارائه پیشنهادات عملی در جهت ایجاد تحرک و شورآفرینی و ارتقاء سطح آموزشی بصورتی بسیار اجمالی و فشرده. در عین حال چه در بحث وضع موجود و چه در زمینه پیشنهادات و ارائه راه حل ها به آن مطالب که می بایست مورد توافق از بالا (ریاست محترم دانشگاه) قرار گیرد اکتفا و از بررسی و بحث در دو زمینه خودداری شده است.

۱- روش ها و اقداماتی که عمدتاً با تلاش ها و زمینه سازی های لازم در سطح دانشکده قابل پیاده کردن است. نظیر سازماندهی داخلی با توجه به مقررات موضوعه، جذب و دفع اصولی و غیره.

۲- ورود در جزئیات و فروع طرح ها و برنامه ها.

بدیهی است که وصول به همه اهداف تعیین شده مشکلات و موانع بسیاری در پیش دارد سوای آنچه در این مختصر ذکر آن رفته است. همچنین ممکن است روش هایی را طلب نماید که یا از هم اکنون قابل پیش بینی نیست و یا غیر از روش هایی است که هم اکنون پیش بینی می شود.

آنچه ذکر شده اهم موانع و مشکلات و به عبارت دیگر مشکلات کلیدی است که عبور از سایر موانع و مشکلات را حتی در صورت لزوم به شیوه ها، اشکال و صورتی غیر از آنچه در بدو امر مورد نظر یا قابل پیش بینی است میسر می سازد.

در پاره ای از موارد حتی از هم اکنون راه حل جزئیات و فروع امر کشف نشده اما ضمن آنکه راه حل نسبی آن ها پیش بینی شده این اطمینان کلی وجود دارد که در صورت کسب توان و قدرت اجرایی و تحرک لازم به صورت های بهتری قابل حل می باشد.

فصل یک- موقعیت دانشکده معماری دانشکده علم و صنعت ایران در مقایسه با سایر دانشکده‌های مشابه

در حال حاضر سه دانشکده معماری شهرسازی در ایران وجود دارد که دارای دوره‌های کارشناسی ارشد در معماری و شهرسازی می‌باشند.

این سه دانشکده عبارتند از:

دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران. غیر از این سه دانشکده در رشته معماری به معنای اخص آن دانشکده دیگری وجود ندارد.

اخیراً ایجاد دوره کاردانی در دانشگاه گیلان به تصویب رسیده و احتمال دارد در آینده در همین مقطع در یکصد شهر درجه دوم دیگر به وجود آید.

از آنجا که ماهیت هر سه دانشکده بر حسب تعریف در نظام آموزشی کشور یکسان می‌باشد، اهداف، جایگاه، نقش و رسالت، بافت تشکیلاتی الگوی سازمانی و مهم‌تر از همه برنامه‌های آموزشی، کمک آموزشی و نیازمندی‌های عمومی هر سه دانشکده نیز مشابه یکدیگر بوده و علی‌الاصول از چهارچوبی مشترک و مشابه برخوردارند.

با این حال تفاوت‌هایی به شرح زیر در سه دانشکده به چشم می‌خورد که پس از ذکر اجمالی آن‌ها به استخراج ماهیت و علل تفاوت‌ها و کم و کیف و تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی آن‌ها می‌پردازیم.

۱- دانشکده هنرهای زیبا- دانشگاه تهران:

- برخورداری از سابقه طولانی‌تر (در حدود چهل سال) و شهرت زیادتر.
- فضاهای فیزیکی مناسب و نسبتاً کافی (سالن‌ها و آتلیه‌های وسیع و پر نور).
- قدرت مادی و تشکیلاتی بیشتر از جمله خدمات و تدارکات قوی (عمدتاً ناشی از سازمان اداری کارآمدتر و پرسابقه و غنی‌تر).
- کتابخانه و آرشیو بهتر، قدیمی‌تر و غنی‌تر از هر سه دانشکده.
- دفتر فنی پرسابقه و پر تجربه.
- وارث شیوه آموزشی مدرسه عالی بوزار پاریس^۱ مبتنی بر نظام آتلیه‌ای و رابطه مستقیم استاد و شاگردی. که تا چند دهه پیش و خصوصاً تا نیمه دوم قرن بیستم در اکثر نقاط جهان شیوه غالب آموزشی در رشته معماری محسوب می‌شد. این شیوه دارای امکانات و ارزش‌های بیشماری است که در موقع خود تشریح خواهد شد.
- برخورداری از امکانات و امتیازات دانشجویی بیشتر و تحرک و هیجان بیشتر و بهتر.

1. Ecole Superiure des Beaux Arts.

- برخورداری از رشته‌های هنری هم‌جوار معماری نظیر: موسیقی، نقاشی، تئاتر، مجسمه‌سازی، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری.
- قرار داشتن در دل یک دانشگاه جامع و قدیمی و برخوردار از امکانات عمومی و آموزشی و تدارکاتی و خدماتی اولین دانشگاه ایران.

۲- دانشکده معماری و شهرسازی، شهید بهشتی

- سابقه متوسط (بیست و هشت سال)
- فضاهای فیزیکی مناسب و کافی و متمرکز (خصوصاً با ساختمان جدید در شرف افتتاح).
- قدرت مادی و تشکیلاتی بیشتر از علم و صنعت (عمدتاً ناشی از سازمان اداری کارآمدتر و پر سابقه‌تر).
- کتابخانه و آرشیو، قدیمی‌تر و غنی‌تر از علم و صنعت.
- برخورداری از امکانات و امتیازات دانشجویی، تحرک و هیجان بیشتر و بهتر از علم و صنعت.
- قرار داشتن در دل یک دانشگاه جامع (دارای رشته‌های علوم انسانی متعدد) و برخوردار از امکانات عمومی و آموزشی و تدارکاتی یک دانشگاه نسبتاً خوب.
- برخورداری چندساله از یک رئیس دانشگاه معمار و فارغ‌التحصیل همان دانشکده.

۳- دانشکده معماری و شهرسازی، علم و صنعت

- سابقه و شهرت کم از جمله پیشینه کم در سطح کارشناسی‌ارشد.
- فضاهای فیزیکی نامناسب (از هر لحاظ از جمله، نور و روشنایی، تهویه و حرارت، پراکندگی فضاها، فقدان آتلیه‌ها و سالن‌های وسیع و پر نور و غیره) پراکنده و بسیار کم‌تر از حد مورد نیاز خصوصاً در مقایسه با دو دانشکده دیگر.
- قدرت مادی و تشکیلاتی بسیار ضعیف (خصوصاً پرسنل و کادر غیر هیأت علمی).
- کتابخانه بسیار فقیر و غیر قابل ذکر و فاقد آرشیو (در دست ایجاد).
- دفتر فنی با تجربه و سابقه ناچیز، و بسیار ضعیف از لحاظ تشکیلاتی و امکانات تدارکاتی و تجهیزات فنی.
- محصور بودن غربیانه در دل یک دانشگاه صرفاً فنی (تکنیکی) با توان مادی و تشکیلاتی ضعیف، شهرت و اعتبار کم و سابقه کوتاه (به عنوان دانشگاه).
- فقدان تفاهم و درک مشترک از مسائل دانشکده معماری میان دانشکده و دانشگاه و در نتیجه فقدان هم‌نوایی و هماهنگی عملی و تنگاتنگ و پویا میان دانشگاه و دانشکده و عدم برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی و تدارکات و خدمات دانشگاهی مناسب و لازم.

تصویر اجمالی ارائه شده به خوبی تبیین می‌نماید که چرا شرکت کنندگان در کنکورهای سراسری اولویت ورود به رشته معماری و شهرسازی را به ترتیب زیر تعیین می‌نمایند.

۱- دانشگاه تهران.

۲- دانشگاه شهید بهشتی.

۳- دانشگاه علم و صنعت ایران.

به طوری که ملاحظه می‌شود این انتخاب و تعیین اولویت‌ها دقیقاً متناسب است با سابقه تأسیس و به عبارت دیگر قدمت و تجربه فعالیت آموزشی دانشکده‌های مربوطه.

گرچه شهرت عمومی به هیچ وجه نمی‌تواند ملاک ارزیابی و قضاوت صحیح و منطقی و علمی در مورد سه دانشکده و طبعاً سه دانشگاه باشد اما در عین حال بدون ارتباط با خواست‌های عمومی مشروح و منطقی از یک دانشکده نیست که به نوبه خود لازم است مورد توجه واقع شود. به عبارت دیگر بحث در این نیست که این قضاوت عمومی تا چه حد صحیح و منطبق با واقعیات است، این بحث بیهوده و غیر سازنده است. منظور و هدف از این مقایسه صرفاً آگاهی دادن و درک و لمس کمبودها، تنگناها و نقاط ضعف برای وصول به مدارج عالی تری است که طبعاً شهرت و اعتبار بیشتر و بهتر در پی خواهد داشت.

خصوصاً با توجه به نظام آموزشی یکسان هر سه دانشکده پس از انقلاب، علت این عقب افتادگی و ضعف شهرت و اعتبار نه ساختاری، بلکه عمدتاً ناشی از علل و عوامل غیر ساختاری (جانبی و عرضی) است. از جمله قدمت فعالیت، امکانات دانشگاهی و دانشکده‌ای، بافت دانشگاهی متبوعه، هویت و شخصیت دانشگاهی متبوعه. در نتیجه چنانچه لطف ازلی با اراده و تمایل مسئولین همراه گردد هیچ دلیلی وجود ندارد که برای سالیان آینده این تعادل نیرو و اعتبار و شهرت فعلی به تدریج از پایه به نفع دانشگاه علم و صنعت دگرگون و وارانه نشده، دانشکده معماری و شهرسازی موفق به جهش‌های مهم و ثمربخش گردد.

فیض روح القدوس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

بدیهی است این همه نه به معنای رقابت منفی و تخریبی بلکه دقیقاً به معنی و مفهوم رقابت سالم و سازنده‌ای است که در شرع مقدس اسلام به عنوان سبقت‌گیری در خیرات و مبرات و امور نیک، سفارش و از آن یاد شده است. در این میان تعلیم و تعلم جایگاه ویژه‌ای داشته و سبقت گرفتن از یکدیگر در این امر می‌تواند با توسل و تمسک به آموزه‌های اسلامی و اصول سازندگی معنوی و برخورد‌های اعتلا بخش قابل تشویق و گسترش پذیر بوده، دارای اثرات مفید متقابل و نهایتاً قابل وصول باشد.

«ولئک یسارعون فی الخیرات و هم لها سابقون» (۶۱/۲۳)

فصل دو- اهداف برنامه رشد و تحول دانشکده

- ۱- کمک به ارتقاء سطح فرهنگ معماری و شهرسازی منبعث از مکتب و فرهنگ اصیل اسلامی.
- ۲- اصلاح مسیر و محتوای آموزشی از بی تعهدی به تعهد پذیری، بی بندوباری (اباحی گری) به سوی تزکیه نفس و مسئولیت پذیری.
- ۳- بالا بردن سطح کیفی و کمی آموزش براساس نیازهای فرهنگی و اجتماعی.
- ۴- کمک فرهنگی و علمی و هنری به برنامه‌های رشد و توسعه ملی از طریق ایجاد دوره‌های عالی، گرایش‌های مورد نیاز و تقویت دفتر فنی.
- ۶- سوق دادن علمی معماری ملی به سمت واقع‌بینی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های سرزمینی از جمله امر خودکفایی ملی.

فصل سه - مسائل و مشکلات

- کمبودها و مشکلات وصول به اهداف فوق‌الذکر به ترتیب اهمیت در وضعیت کنونی به قرار زیراند:
- ۱- سیستم آموزشی غیر کارگاهی (فقدان کارآموزی یا کارورزی در محیط دانشکده).
- یادآوری می‌نماید آموزش معماری عمدتاً از طریق رابطه مستقیم شاگرد و استادی و در جریان روند و مسیر انجام کار عملی و خلاقه طراحی توسط خود دانشجو انجام پذیر و قابل تقویت و تثبیت است.
- شیوه آموزشی که با رعایت این اصل به وجود آمده باشد شیوه کارگاهی (آتلیه‌ای) نامیده می‌شود. از آنجا که فواید و ارزش‌های این سیستم پس از یک دوران بی‌توجهی تقریباً در همه جا به ثبوت رسیده است از استدلال درباره آن در این جا خودداری می‌شود.
- این شیوه که به صورت کامل آن در دانشگاه تهران و به صورت ناقص آن در دانشگاه شهید بهشتی وجود داشت سال‌هاست که به تدریج به دلایلی که بر اینجانب پوشیده است از بین رفته و بازگشت به آن دارای مشکلات بیشماری است که به موقع خود تشریح خواهد شد.
- با این حال اخیراً روند شکل‌گیری مجدد و فعال نمودن کارگاه‌ها در دانشگاه تهران (با سرعت بیشتر به خاطر برخورداری از میراث گذشته) و در دانشگاه شهید بهشتی با سرعت کمتری آغاز شده است. در حالی که دانشگاه علم و صنعت از این حرکت به کلی بی‌نصیب مانده و مشکلاتی که بر سر راهش وجود دارد به مراتب بیشتر از دو دانشکده دیگر می‌باشد.
- ۲- هم‌زمانی امتحانات نظری و تحویل پروژه‌های علمی و طراحی در هر نیم سال.
 - ۳- فهم و درک ناکافی مسئولین دانشگاهی از مسائل معماری و آموزش معماری.
 - ۴- فقدان فضاهای آموزشی مناسب.

- ۵- مدرک‌گرایی نظام آموزشی خصوصاً در رشته‌های هنری و معماری و شهرسازی.
- ۶- فقدان امکانات مالی برای توسعه و ایجاد تحرک (اعم از افزایش حقوق هیئت علمی و سایر کارکنان و استقرار تجهیزات و تشکیلات مورد نیاز).
- ۷- ضعف تشکیلاتی و توان مادی ناچیز فعلی نظام اداری و ضعف سیستم خدماتی و تدارکاتی دانشکده و دانشگاه.
- ۸- تلقی شدن این رشته به عنوان یک «بخش» و نه یک دانشکده. در حالی که رشته معماری و شهرسازی به دلایل زیر در اکثر نقاط جهان به تنهایی یک دانشکده محسوب می‌گردد.
- الف- گستردگی رشته معماری و همچنین شهرسازی هریک به تنهایی.
- ب- این دانشکده یا بخش در حقیقت هم اکنون نیز متشکل از دو گرایش است که در یک برنامه آموزشی ادغام شده است. گرایش معماری و گرایش شهرسازی. به طوری که در بسیاری از کشورها شهرسازی و معماری از پایه (کارشناسی) دوره‌هایی مستقل به شمار می‌آید.
- ج- ویژگی‌های خاص ماهیتی این رشته و نیاز به استقلال کامل آن.
- ۹- رخوت و سستی و انفعال دانشجویی به صورت فردی و یا گروهی. گرچه ادامه این وضعیت می‌تواند به صورت یک عامل ترمز کننده بسیار مهم تلقی گردد معذالک از آنجا که بحث درباره علل و عوامل و عوارض و طرق فائق آمدن به آن باعث اطناب کلام خواهد شد، فعلاً از بحث درباره آن خودداری شده ولی همین قدر خاطر نشان می‌سازد که حرکت از بالا به سمت رشد و ارتقاء و تقویت سیستم آموزشی می‌تواند در رفع این انفعال تا حدودی مؤثر باشد.

چند یادآوری در مورد مراتب اهمیت کمبودها و مشکلات

ترتیبی که فوقاً در زمینه اهمیت مشکلات ذکر گردیده قابل تفسیر و تحلیل است به این معنی که چنانچه از زوایا و یا اهداف گوناگون به مشکلات نگریسته شود، اهمیت آن‌ها فرق می‌کند و در نتیجه اولویت برخورد به آن‌ها متفاوت خواهد بود. فی‌المثل برای بهبود وضعیت آموزشی در همین سطح کنونی، فقدان نظام کارگاهی واجد اهمیت اساسی است. در حالی که مشکل اصلی برای ایجاد گرایش‌های جدید و دوره‌های دکتری، مدرک‌گرایی موجود در نظام آموزشی و عدم حضور پر قدرت در وزارت متبوع است.

فصل چهارم - اهداف کوتاه مدت

طرح‌ها و برنامه‌های بالقوه قابل اجراء (در صورت رفع نیازهای مربوطه) علی‌رغم مشکلات و تنگناهای فراگیر فعلی (غیر قابل برطرف کردن در زمان کوتاه) برای وصول به اهداف تعیین شده:

اول- ارتقاء و تحول شیوه آموزشی و ایجاد رشد، هیجان، تحرک و رقابت دانشجویی و گروهی.

الف- استقرار نظام آتلیه‌ای و انجام کارهای طراحی در عین رعایت ضوابط و مقررات قانونی فعلی اعم از نظام واحدی و برنامه‌های آموزشی ستاد انقلاب فرهنگی. تدابیر، اسباب و لوازم و امکانات مورد نیاز این امر عبارتست از:

۱- در اختیار داشتن فضاهای مناسب و کافی

از آنجا که احداث فضاهای جدید بلافاصله و حتی در کوتاه مدت مقدور نیست چاره‌ای جز بازگشت دادن فضاهای اصلی دانشکده که به دانشکده‌های دیگر واگذار شده و در صورت لزوم ایجاد پاره‌ای تغییرات بنایی و رفع نواقص آن از جمله حل مسئله تأسیساتی و روشنایی آن وجود ندارد.

۲- انجام آموزش‌ها و تمرینات طراحی به طور اجباری در کارگاه‌ها و رفع نواقص آن از جمله:

هماهنگی امور خدمات و حفاظت برای استفاده زمانی بیشتر از کارگاه‌ها تا پاسی از شب در مواقع عادی و به صورت شبانه روزی در مواقع ضرورت (هنگام تحویل پروژه‌ها) با اجازه دانشکده.

۳- فعال نمودن کارگاه درودگری برای ساخت تخته رسم (شاسی) به ابعاد مورد نیاز به تعداد لازم و تعمیر و نگهداری آن‌ها.

۴- ایجاد امکانات کمی و کیفی خدماتی و تدارکاتی لازم به این منظور نظیر: میزهای کشودار، گنجه‌های بلند قد به تعداد کافی، لوازم مصرفی و غیره.

ب- پاره‌ای اقدامات و اصطلاحات فرعی که باید از طریق سیستم آموزشی دانشکده اجرا شود. ولی به دلیل آنکه تأمین فضاهای مربوط به آن‌ها به عهده دانشگاه است اجمالاً ذکر می‌گردد.

۱- برقراری نمایشگاه دائمی کارهای دانشجویی سال‌های مختلف با برنامه هفتگی اعلام شده از پیش به مدت مقتضی برای هر پروژه.

۲- انجام مراسم قضاوت پروژه‌های نهایی به صورت درهای باز و به نمایش گذاردن این پروژه‌ها در مدت مقتضی.

۳- ارائه پروژه‌های علمی طراحی پانزده روز قبل از آغاز امتحانات نظری نیم ساله.

۴- ارائه برنامه‌های طراحی کوتاه مدت (اسکیس) میان ترم برای کلیه سطوح.

۵- جدی تر گرفتن کار کارگاهی توسط نظام آموزشی و در نتیجه کاستن تا حدود منطقی از حجم و بار دروس نظری به صورتی که دانشجویان بتوانند ساعت‌های هرچه بیشتری را در هر هفته در کارگاه حضور یافته و با فراغ خاطر بیشتری به کارهای خود بپردازند.

دوم - اهرم‌ها و امکانات قابل اتکا

الف- تقویت دفتر فنی دانشکده به صورت یک دفتر مهندسی مشاور قوی به منظور:

۱- ایجاد فضای مناسب آموزشی- اجرایی در جهت آشنایی جریان آموزشی با الزامات و ضرورت‌های اجرایی و تربیت کادر آماده و ورزیده برای رفع نیازهای فنی و اجرایی کشور و حل معضل جدایی و دور افتادگی آموزش‌های دانشگاهی از مسائل اجرایی (ارتباط دانشگاه و صنعت ساختمان).

۲- خدمت به جبهه و جنگ و رفع نیازهای طراحی دستگاه‌های دولتی و تسهیل ورود دانشجویان چه در زمان تحصیل و چه پس از فارغ‌التحصیلی به خدمات فنی جبهه‌ای و لمس نمودن نیازهای مملکتی و گشودن درهای بازار کار به روی فارغ‌التحصیلان.

۳- کسب درآمد به عنوان کمک‌های مالی هر چند ناچیز برای استفاده در خدمات آموزشی و رفع تنگناهای مالی دانشکده در جهت وصول به اهداف مورد نظر و طرح‌های پیشنهادی.

۴- کسب صلاحیت انجام طرح‌های پژوهشی بزرگ و مهم دولتی که بخش دولتی از واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی به دلایل مختلف از جمله اهمیت بنیادی (استراتژیک) آن‌ها در امر توسعه و آمایش سرزمین پرهیز می‌کند، و دانشگاه به دلیل هویت علمی و بی‌طرف خود می‌تواند مورد وثوق و اطمینان و اعتبار بیشتری بوده، چنانچه صلاحیت و تجربه لازم را به دست آورد افق بسیار وسیعی در مقابلش باز خواهد شد.

برای تحقق اهداف فوق‌الذکر و تقویت دفتر فنی لازم است:

۱- جایگاه قانونی آن مشخص و محرز شود.

۲- مناسبات و ارتباطات حقوقی و مالی و تدارکاتی و خدماتی آن به طریق مناسب و به دور از مقررات دست و پاگیر تعیین و مورد توافق واقع شود.

۳- با توجه به اینکه طرح‌های اجرایی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی نسبت به طرح‌های اجرایی و تحقیقاتی در سایر رشته‌ها از سرمایه‌گذاری‌های ثابت کمتر، هزینه‌های بالا سری (خدماتی و تدارکاتی) کمتر و همچنین سود دهی کمتری برخوردار است و خصوصاً اینکه این دانشکده نسبت به سایر دانشکده‌ها به دلایل گوناگون تاکنون از کمک‌ها و اعتبارات مالی کمتری برخوردار بوده و اکنون با توجه به چشم اندازها و طرح‌های مورد نیاز احتیاج به توان مالی، تقویت و کمک‌های بیشتری دارد، در مورد دانشکده معماری توافقاتی جداگانه‌ای جهت سود ببری به عمل آید.

ب- ایجاد دوره‌های کوتاه مدت آموزشی چندماهه با همکاری مادی و معنوی دستگاه‌های اجرایی به منظور:

۱- ایجاد زمینه و کسب توان آموزشی لازم برای ایجاد گرایش‌های جدید و دوره‌های آموزش عالی‌تر نظیر: طراحی و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی با کامپیوتر، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، آمایش سرزمین، مرمت شهری (احیاء بافت‌های قدیمی) و مرمت ابنیه تاریخی و

۲- ایجاد فضای مبادله سازنده دانشگاهی - دولتی به منظور استفاده متقابل و قراردادن امکانات مادی و مالی دستگاه‌های دولتی در خدمت ارتقاء سطح کیفی و کمی آموزشی و ایجاد گرایش‌های جدید، به عبارت ساده‌تر ارائه خدمات آموزشی کوتاه مدت مخصوص (با توجه به نیازهای دستگاه‌های دولتی) در قبال دریافت کمک‌ها و امکانات مالی و قرار دادن این کمک‌ها و امکانات در خدمت رشد و ارتقاء کمی و کیفی دانشکده.

۳- کسب اعتبار و حیثیت آموزشی و حسن شهرت که به نوبه خود در پیشبرد اهداف رشد و گسترش دانشکده و احراز صلاحیت و کسب موافقت مسئولین برای ایجاد گرایش‌های جدید و احراز مقام و جایگاه رفیع به عنوان تکیه گاه علمی و پژوهشی مورد وثوق و اطمینان مؤثر خواهد بود.

فصل پنج- نتیجه گیری، خلاصه و اهم مطالب

پیشرفت و ارتقاء آموزش معماری به عنوان یک هدف اساسی در گرو تحقق طرح‌های زیر است که به صورت طرح‌های بلند مدت و کوتاه مدت به ترتیب زیر مطرح می‌شود.

الف- طرح‌های بلند مدت

- ۱- استقرار نظام کارگاهی
- ۲- ایجاد گرایش‌های جدید و دوره‌های عالی
- ۳- رسمیت یافتن و جنبه قانونی پیدا کردن رشته معماری به عنوان دانشکده‌ای مستقل، خواه به صورت طی مراحل قانونی و تطبیق با مقررات و ضوابط فعلی، خواه به صورت وضع مقررات استثنایی برای رشته معماری.

ب- طرح‌های کوتاه مدت

- ۱- ایجاد دوره‌های کوتاه مدت آموزشی
- ۲- تقویت دفتر فنی
- ۳- کسب استقلال نسبی و عملاً اعطای تمامی امتیازات و اختیارات لازم به عنوان یک دانشکده تا هنگام تثبیت قانونی آن.

یادآوری می‌نماید پاره‌ای موارد نظیر استقرار نظام کارگاهی و تقویت دفتر فنی در عین حال کوتاه مدت و بلند مدت محسوب می‌گردد. زیرا در صورت حمایت کافی می‌توانند بلافاصله به جریان گذاشته شوند و در نتیجه از جهت زمان آغاز آن کوتاه مدت محسوب می‌گردند لکن از جهت اینکه تا رسیدن به نقطه اوج و اعتلاء نهایی خود نیازمند زمانی طولانی هستند جزو طرح‌های بلند مدت محسوب می‌گردند. در نتیجه می‌توان گفت از لحاظ ساختاری کوتاه مدت و از لحاظ محتوایی بلند مدت محسوب می‌گردند.

بدیهی است چنانچه محورهای ۶ گانه فوق‌الذکر بعنوان محورهای کلیدی (بنیادی) مورد پذیرش و توافق قرار گیرد لازم است سیستم دانشگاهی کلاً در خدمت تحقق آن قرار داده شده، ذهنیت تصویری و غلط از دانشکده معماری به عنوان فرزند کوچک خانواده (که نه تنها همیشه سهم کم‌تری دارد بلکه بعضاً سهمش به دیگران تعلق می‌گیرد) به صورت فرزند رشید و بالغ همسان سایر فرزندان و برخوردار از سهم و نقش همانند سایرین (البته هریک متناسب نیازهای خود) تبدیل و تغییر یابد.

لهذا به اعتقاد اینجانب و بعنوان اولین قدم و یک نمونه گویا و آزمایشی از اراده مسئولین و همکاران تا هنگامی که فضاهای اختصاصی دانشکده باز گردانده نشود، نه تنها یکی از موانع اصلی که شرح آن گذشت برطرف نشده بلکه نشانه آن است که در همواره در بر پاشنه قبلی می‌چرخد و هیچ‌گونه اصلاحی در تلقی و تصور مسئولین و همکاران محترم دانشگاهی به عمل نیامده است. در این صورت بدون تردید (لااقل با مفروضات فعلی و براساس تحلیل ارائه شده) باید هرگونه امید به تحولات اساسی و ریشه‌ای را کنار گذاشت و حداکثر به گردش اوضاع با نظمی بیشتر دلخوش بود، وضعیتی که از بیخ و بن رضایت بخش نیست و نخواهد بود.

حمیدنوحی، خردادماه ۱۳۶۷
دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران